Rural Development Strategies
Homepage: https://rdsj.torbath.ac.ir
Vol. 13, No. 1, 2026, p. 1-23

Analyzing The Impact Of Local Governance On The Livability Of Rural Settlements (Case Study: Mahur Milati District, Mamasani County)

Mojtaba Ghadiri Masoum[1], MohammadReza Rezvani[1] and Hossein Hosseinpour[1*]

1-Department of Human Geography, Faculty of Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

ARTICLE INFO
Article type:
Research Article
Article history:
Submitted: 24 September 2025
Revised: 7 September 2026
Accepted: 11 September 2026
Available Online: 15 September 2026

Keywords
Good Governance,
Rural Livability,
Local Participation,
Sustainable Development,
Mahur Milati.

ABSTRACT
Local governance, as a key framework for local management and development, plays a fundamental role in improving the quality of life and livability of human communities. This study aimed to analyze the effect of local governance on the livability of rural settlements in Mahur Milati District, Mamasani County, during the Iranian year 1404 (2025–2026). In terms of purpose, the study was applied, and in terms of nature and method, it was descriptive–analytical and survey-based. The statistical population consisted of residents of 32 selected villages in Mahur Milati District. A multistage sampling method was employed: first, the villages were purposively selected based on population, geographical location, and spatial distribution; the sample was then allocated proportionally to each village's population, and respondents were randomly selected within the villages. Based on Cochran's formula, an initial sample size of 341 respondents was calculated, which was subsequently increased to 387 to improve accuracy and ensure adequate representation of low-population villages. Data were collected using a researcher-developed questionnaire. Its validity was confirmed through expert judgment, while its reliability was verified using Cronbach's alpha coefficients of 0.916 for local governance and 0.896 for livability. The data were analyzed using the one-sample t-test, Pearson's correlation coefficient, and multiple regression analysis. The results indicated that the mean scores of local governance (2.80) and livability (2.54) were below the desirable level of 3, reflecting unfavorable conditions in both variables. Pearson's correlation analysis also revealed a moderate correlation between local governance and rural livability. Moreover, multiple regression analysis showed that the rule of law (β = 0.320), responsiveness (β = 0.290), accountability (β = 0.275), and efficiency (β = 0.260) had the greatest effects on livability, respectively. Accordingly, strengthening participation, consensus orientation, equity, and transparency can enhance social capital, improve local management processes, and ultimately increase the livability of rural settlements.

Cite this Article:
Ghadiri Masoum, M., Rezvani, M., Hosseinpour, H. (2026). Analyzing The Impact Of Local Governance On The Livability Of Rural Settlements (Case Study: Mahur Milati District, Mamasani County). *Rural Development Strategies*, *13*(1): 1-23. https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.549189.2250

Corresponding author email: hhosseinpour@ut.ac.ir

Print ISSN: 2383-2657 Online ISSN: 2383-1995
https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.549189.2250

© 2026, University of Torbat Heydarieh. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (CC BY 4.0).

فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی
جلد۱۳، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵ ص. ۲۳-۱
Homepage: https://rdsj.torbath.ac.ir

تحلیل تأثیر حکمروایی محلی بر زیست پذیری سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش ماهور میلاتی، شهرستان ممسنی)

مجتبی قدیری‌معصوم[۱]، محمدرضا رضوانی[۱] و حسین حسین‌پور[۱*]

۱- گروه جغرافیای انسانی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۲ مهر ۱۴۰۴
تاریخ بازنگری: ۱۶ شهریور ۱۴۰۵
تاریخ پذیرش: ۲۰ شهریور ۱۴۰۵

کلمات کلیدی:
حکمروایی
زیست‌پذیری روستایی
مشارکت محلی
توسعه پایدار
ماهور میلاتی.

چکیده

حکمروایی محلی به‌عنوان چارچوبی کلیدی در مدیریت و توسعه محلی، نقش اساسی در ارتقای کیفیت زندگی و زیست‌پذیری جوامع انسانی دارد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل تأثیر حکمروایی محلی بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی بخش ماهور میلاتی شهرستان ممسنی در سال ۱۴۰۴ انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت ساکن در ۳۲ روستای منتخب بخش ماهور میلاتی بود. نمونه‌گیری به‌صورت چندمرحله‌ای انجام شد، به‌گونه‌ای که ابتدا روستاها براساس معیارهای جمعیتی، جغرافیایی و پراکنش فضایی انتخاب شدند، سپس سهم هر روستا متناسب با جمعیت آن تعیین و پاسخ‌گویان در هر روستا به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. براساس فرمول کوکران، حجم نمونه اولیه ۳۴۱ نفر محاسبه شد که به‌منظور افزایش دقت و تأمین حداقل نمونه در روستاهای کم‌جمعیت، به ۳۸۷ نفر افزایش یافت. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شد. روایی پرسشنامه با نظر خبرگان و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ برای حکمروایی (۰/۹۱۶) و زیست‌پذیری (۰/۸۹۶) تأیید شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید. نتایج نشان داد میانگین شاخص‌های حکمروایی (۲/۸۰) و زیست‌پذیری (۲/۵۴) پایین‌تر از سطح مطلوب (۳) بوده و وضعیت هر دو متغیر نامطلوب است. همچنین، نتایج همبستگی پیرسون بیانگر وجود همبستگی متوسط میان حکمروایی و زیست‌پذیری بود. تحلیل رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که به‌ترتیب ابعاد قانون‌محوری با ضریب بتای ۰/۳۲۰، پاسخ‌گویی با ضریب ۰/۲۹۰، مسئولیت‌پذیری با ضریب ۰/۲۷۵ و کارایی با ضریب ۰/۲۶۰بیش‌ترین تأثیر را بر زیست‌پذیری دارند. بر این اساس، تقویت مشارکت، توافق جمعی، عدالت و شفافیت می‌تواند با ارتقای سرمایه اجتماعی و بهبود فرایندهای مدیریتی، زمینه افزایش زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی را فراهم سازد.

نحوه ارجاع دهی به مقاله: قدیری‌معصوم، م.، محمدرضا رضوانی، م. ر.، حسین‌پور، ح. (۱۴۰۵). تحلیل تأثیر حکمروایی محلی بر زیست پذیری سکونتگاه‌های روستایی (مورد مطالعه: بخش ماهور میلاتی، شهرستان ممسنی). راهبردهای توسعه روستایی، ۱۳(۱): ۲۳-۱.https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.549189.2250

نویسندهٔ مسئول: hhosseinpour@ut.ac.ir

شاپا چاپی: ۲۳۸۳-۲۶۵۷ شاپا الکترونیکی: ۱۹۹۵-۲۳۸۳
https://doi.org/10.22048/rdsj.2026.549189.2250

حقوق مولفین به نویسندگان و حقوق ناشر به انتشارات دانشگاه تربت حیدریه داده شده است. این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License) در دسترس شما قرار گرفته است. برای جزئیات این لیسانس، از آدرس https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/ دیدن فرمائید.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، با تشدید روند جهانی شدن، تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت، ضعف فرایند هویت محلی، مکانی و زندگی اجتماعی و نابرابری‌های فضایی، توجه به مفهوم زیست‌پذیری سکونتگاه‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی بیش از پیش اهمیت یافته است (لیو[1] و همکاران، ۲۰۲۵، ما[2] و همکاران، ۲۰۲۲، مومنی و همکاران، ۱۳۹۹). زیست‌پذیری به مجموعه‌ای از شرایط محیطی، اجتماعی، اقتصادی و نهادی اطلاق می‌شود که امکان یک زندگی شایسته و با کیفیت را برای ساکنان فراهم می‌آورد (آئولیا و مارپائونگ[3]، ۲۰۲۵، خرمی[4] و همکاران، ۲۰۲۱). زیست‌پذیری به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار، دربردارنده شاخص‌هایی نظیر دسترسی به خدمات پایه، امنیت، انسجام اجتماعی، عدالت فضایی، بهداشت، آموزش، کیفیت محیط‌زیست و مشارکت اجتماعی است (وینستون[5]، ۲۰۲۲، بوهورکز[6] و همکاران، ۲۰۲۴). در این میان، آنچه زیست‌پذیری را معنا می‌بخشد و زمینه تحقق آن را فراهم می‌سازد، وجود نظام‌های تصمیم‌گیری و مدیریت محلی کارآمد است، موضوعی که در ادبیات توسعه با عنوان حکمروایی مطلوب[7] شناخته می‌شود (کلمی[8] و همکاران، ۲۰۲۴). با توسعه تئوری حکمروایی، مفهوم حکمروایی خوب به دلیل توانایی‌اش در تقویت همکاری بین دولت و مردم در مدیریت امور عمومی، مورد توجه قرار گرفته است. در این چارچوب، همه ارکان جامعه روستایی به شکلی هماهنگ در جهت توسعه پایدار مشارکت می‌کنند. به‌بیان دیگر، حکمروایی خوب روستایی زمینه تحقق اولویت‌های توسعه پایدار مبتنی بر اجماع جامعه محلی را فراهم می‌سازد (میکانیکی، ۱۴۰۳، زایتول[9] و همکاران، ۲۰۲۳).

حکمروایی مطلوب به فرآیندهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها نهادهای دولتی، عمومی و مدنی به شیوه‌ای شفاف، پاسخگو، مشارکت‌جویانه و عادلانه، منابع و امور عمومی را مدیریت می‌کنند (ساری[10]، ۲۰۲۳، لامیچهان[11]، ۲۰۲۱). این حکمروایی در صورت تحقق، می‌تواند بستر لازم را برای توانمندسازی جوامع محلی، ارتقای سرمایه اجتماعی، تسهیل مشارکت مردمی، و بهبود کیفیت سیاست‌گذاری‌ها فراهم آورد (ثابت و خاکسار[12]، ۲۰۲۴، ژانگ و تیان[13]، ۲۰۲۴). در مقابل، ضعف در حکمروایی اعم از نبود شفافیت، بی‌عدالتی، ناکارآمدی یا انحصارگرایی نهادی موجب افول اعتماد عمومی، فرسایش ظرفیت‌های محلی، و در نهایت، تضعیف کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های انسانی می‌شود (فولورونشو و ساموئل[14]، ۲۰۲۵، موفث[15]، ۲۰۲۳). به همین دلیل، پیوند میان حکمروایی مطلوب و زیست‌پذیری به خصوص در نواحی روستایی، به یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه مطالعات توسعه محلی، جغرافیای روستایی و برنامه‌ریزی فضایی تبدیل شده است (ماو همکاران، ۲۰۲۲، لی[16] و همکاران، ۲۰۲۱).

در ایران، با وجود برنامه‌ها و سیاست‌های متعدد برای توانمندسازی روستاها و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه، هنوز بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی از وضعیت مطلوب زیست‌پذیری فاصله دارند. محرومیت از خدمات عمومی، ضعف نهادهای محلی، مشارکت محدود ساکنان در فرآیندهای

1- Liu
2- Ma
3- Aulia And Marpaung
4- Khorrami
5- Winston
6- Bohorquez
7- Good Governance
8- Kulmie
9- Zaitul
10- Sari
11- Lamichhane
12- Sabet And Khaksar
13- Zhang And Tian
14- Folorunsho And Samuel
15- Mophethe
16- Li

تصمیم‌گیری و کم‌توجهی به ظرفیت‌های بومی از مهم‌ترین چالش‌های این مناطق به شمار می‌رود. این مسائل، اغلب به دلیل ضعف در ساختارهای حکمروایی و نبود سیاست‌گذاری جامع و هماهنگ در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی شکل گرفته‌اند. در این راستا، تحلیل روابط میان مؤلفه‌های حکمروایی مطلوب و ابعاد مختلف زیست‌پذیری در روستاهای ایران، ضرورتی انکارناپذیر یافته است، زیرا می‌تواند سیاست‌گذاران را در جهت بهبود کیفیت زندگی روستایی و پایداری سکونتگاه‌ها یاری رساند (حسنوند و طولابی‌نژاد، ۱۴۰۲، خداپناه، ۱۴۰۰، رضوانی و همکاران، ۱۴۰۳).

بخش ماهورمیلاتی از توابع شهرستان ممسنی در استان فارس، به‌عنوان یکی از نواحی روستایی کوهستانی و نیمه‌دورافتاده، با وجود برخورداری از منابع طبیعی، پیشینه سکونت روستایی و ظرفیت‌های تولیدی در بخش‌هایی مانند کشاورزی و دامداری، با مجموعه‌ای از چالش‌های جمعیتی، اقتصادی، زیرساختی و محیطی مواجه است. بر اساس گزارش مطالعات توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مناطق روستایی استان فارس، جمعیت روستایی این بخش از ۷۳۱۱ نفر در سال ۱۳۹۰ به ۵۹۲۷ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته و نرخ رشد جمعیت روستایی آن طی این دوره ۶/۲۴- درصد بوده است. این روند، بیانگر تضعیف ماندگاری جمعیت، افزایش گرایش به مهاجرت و کاهش جذابیت سکونت در روستاهای منطقه است. از سوی دیگر، نرخ بیکاری جمعیت روستایی بخش ماهورمیلاتی ۱۲/۶ درصد گزارش شده که از میانگین نرخ بیکاری روستایی بخش‌های مورد مطالعه استان فارس، یعنی ۱۰/۵ درصد، بالاتر است و نشان‌دهنده محدودیت فرصت‌های شغلی و شکنندگی معیشت روستایی در منطقه است. در بعد زیرساختی نیز اگرچه روستاهای مورد مطالعه از آب لوله‌کشی و برق سراسری برخوردار بوده‌اند، اما در زمان تهیه گزارش، همه آن‌ها فاقد گاز لوله‌کشی بوده و تنها روستای قلعه‌شارجان دارای سامانه تصفیه آب بوده است. افزون بر این، وجود کسری آبخوان، اضافه‌برداشت از حدود ۷۰ درصد منابع آب تجدیدپذیر سالانه و فشار بر منابع آب زیرزمینی، آسیب‌پذیری زیست‌محیطی و تولیدی منطقه را تشدید کرده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۸).

بر این اساس، مسئله زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های روستایی ماهورمیلاتی را نمی‌توان صرفاً به کمبود منابع طبیعی، ضعف زیرساخت‌ها یا محدودیت‌های اقتصادی تقلیل داد، بلکه این وضعیت با کیفیت حکمروایی محلی، کارآمدی نهادهای محلی، نحوه توزیع منابع، پاسخگویی مدیریتی، هماهنگی بین دستگاه‌ها و میزان مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی توسعه‌ای پیوند مستقیم دارد. از این‌رو، پرسش اساسی این است که حکمروایی محلی تا چه اندازه می‌تواند بر ارتقای زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی این بخش اثرگذار باشد و کدام ابعاد آن نقش تعیین‌کننده‌تری در بهبود شرایط زندگی، ماندگاری جمعیت و پایداری سکونت روستایی دارند. بنابراین، بررسی تأثیر حکمروایی محلی بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی بخش ماهورمیلاتی، هم از منظر تبیین علمی مسئله و هم از نظر ارائه راهکارهای کاربردی برای برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه روستایی، ضرورتی جدی دارد.

با توجه به این زمینه‌ها، پژوهش حاضر در راستای دستیابی به اهداف زیر تدوین شده است:

- شناسایی و ارزیابی وضعیت موجود حکمروایی و ابعاد زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه.
- تبیین و تحلیل روابط میان مؤلفه‌های حکمروایی و سطح زیست‌پذیری روستاهای مورد مطالعه.
- سنجش میزان اثرگذاری مؤلفه‌های حکمروایی بر بهبود زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی.

از اواخر دهه ۱۹۸۰، حکمرانی خوب برای بسیاری از جوامع

معیاری مهم برای تصمیم‌گیری‌ها بوده است (پومرانز و استدمن[1]، ۲۰۲۰). در دهه ۱۹۹۰، مفهوم حکمروایی به یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی، به‌ویژه در نظریه سیاسی و جغرافیای انسانی تبدیل شد و در نشست ریو ۲۰۱۲ به‌عنوان محور توسعه پایدار مطرح گردید. برخلاف تعریف سنتی که حکمروایی را مترادف حکومت می‌دانست، در دیدگاه‌های جدید بر روابط تعاملی دولت، نهادهای غیردولتی و ذی‌نفعان تأکید می‌شود. این رویکرد با افزایش مشارکت عمومی، ظرفیت دولت‌های محلی را در ارائه خدمات ارتقا می‌دهد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶).

حکمروایی خوب روستایی در ادبیات نهادهای بین‌المللی و پژوهشی، به رابطه‌ای صحیح و کارآمد میان حکومت و ساکنان اطلاق می‌شود که هدف آن ارتقای بهزیستی عمومی، پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی مردم، و حمایت از حقوق اساسی آنان است. کوفی عنان، دبیرکل پیشین سازمان ملل، حکمروایی خوب را یکی از مهم‌ترین عوامل ریشه‌کنی فقر و پیشبرد توسعه می‌داند (ژو[2] و همکاران، ۲۰۲۴). نهادهایی چون سازمان همکاری‌های اقتصادی و برنامه توسعه ملل متحد، حکمروایی را نظامی پیچیده از تعاملات میان ساختارها، عملکردها و مسئولیت‌ها می‌دانند که بر سه اصل پاسخگویی، شفافیت و مشارکت استوار است. حکمروایی خوب روستایی زمینه‌ساز اجرای سیاست‌های اقتصادی، اصلاحات اجتماعی و زیست‌محیطی از طریق مشارکت فعال دولت، مردم و نهادهای محلی است و به افزایش اعتماد عمومی و رضایت اجتماعی منجر می‌شود (بازوند و رئیسی، ۱۴۰۱). حکمروایی خوب یکی از ارکان اصلی تحقق اهداف توسعه پایدار است و به‌ویژه با هدف شانزدهم یعنی ترویج جوامع عادلانه، صلح‌آمیز و فراگیر ارتباط دارد. این رویکرد، صرف‌نظر از ابعاد اقتصادی، اجتماعی یا زیست‌محیطی، پایه اجرای طرح‌های توسعه‌ای و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای تا سال ۲۰۳۰ است (دتوتو[3] و همکاران، ۲۰۲۱، پانگ[4] و همکاران، ۲۰۲۴). حکمروایی خوب مفهومی هنجاری است که بر مدیریت مؤثر کالاهای عمومی در چارچوب تصمیم‌گیری دموکراتیک و مبتنی بر احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی تأکید دارد (کلوشاچک[5] و همکاران، ۲۰۱۸). در این راستا، حکمروایی روستایی در برابر حکومت متمرکز روستایی قرار می‌گیرد و بر تعامل میان نهادهای دولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی استوار است (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). این رویکرد، با درگیر ساختن همه ارکان محلی، زمینه‌ساز توسعه پایدار، توزیع عادلانه قدرت، ساماندهی منابع و ارتقای معیشت جوامع روستایی می‌شود (پازکی و همکاران، ۱۳۹۹، حیدری‌ساربان و مومنی، ۱۳۹۹). رویکرد حکمروایی خوب روستایی از جدیدترین شیوه‌های مدیریت توسعه پایدار است که با تکیه بر دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، بر اصولی چون مشارکت، پاسخگویی و اثربخشی تأکید دارد. این رویکرد با درگیر کردن مردم، به عدالت اجتماعی، امنیت و زیست‌پذیری مناطق روستایی می‌انجامد (صفایی و همکاران، ۱۴۰۱، حجاریان، ۱۴۰۲).

مفهوم زیست‌پذیری در کنار پایداری، به‌عنوان یکی از گفتمان‌های اصلی برنامه‌ریزی عمومی مطرح شده و به معنای توانایی یک مکان برای فراهم‌سازی شرایط مطلوب زندگی است. این مفهوم، نیازهای متنوع انسانی از امنیت، غذا، بهداشت، تعلق مکانی تا نمادهای فرهنگی را دربرمی‌گیرد. زیست‌پذیری از تعامل ویژگی‌های فیزیکی، خدمات عمومی و تصمیمات برنامه‌ریزی تأثیر می‌پذیرد و می‌تواند رضایت، سلامت و بهزیستی ساکنان را ارتقا دهد. همچنین، با حفظ منابع طبیعی و تقویت پیوندهای اجتماعی، عاملی کلیدی در احیای روستاها و شهرهای کوچک به‌شمار می‌رود (خراسانی و اکبریان‌رونیزی،

1- Pomeranz And Stedman
2- Zhu
3- Detotto
4- Pang
5 -Klusáčeka

۱۳۹۹، مارفاتینا[1] و همکاران، ۲۰۲۵). زیست‌پذیری مفهومی گسترده و چترگونه است که با مفاهیمی چون پایداری، کیفیت زندگی، کیفیت مکان، سرزندگی و رضایت ساکنان همپوشانی دارد و گاه مترادف آن‌ها تلقی می‌شود. این مفهوم پلی میان نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی انسان با ویژگی‌های محیطی و طبیعی است و بر ایجاد مکان‌هایی تأکید دارد که همزمان رضایت، خوشبختی و سلامت افراد را ارتقا داده و از منابع طبیعی و عملکرد اکوسیستم‌ها محافظت می‌کنند. زیست‌پذیری تحت تأثیر رویکرد توسعه پایدار بوده و در پیوندی تنگاتنگ با کیفیت زندگی، به عنوان هدفی کلان در برنامه‌ریزی فضایی و اجتماعی مطرح است. یکی از نگرانی‌های اساسی هر جامعه تأمین نیازها و خواسته‌های مردم از جمله مسکن، انرژی، آب، مواد غذایی، مدیریت ضایعات، بهداشت، امنیت عمومی، آموزش، سرگرمی، تعامل اجتماعی، مشارکت اقتصادی و خلاقیت است که از طریق ارائه خدمات مناسب برطرف می‌شود (رضوانی[2] و همکاران، ۲۰۲۴، حسین‌پور و طهماسی، ۲۰۲۵). از این منظر، زیست‌پذیری با تمرکز بر این نیازها در مناطق رو به وخامت، همچون کاهش رفاه اقتصادی و افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، توجه ویژه‌ای به خود جلب کرده است. لی[3] و همکاران (۲۰۲۰) چارچوب ارزیابی زیست‌پذیری روستایی را در مقیاس روستا مطرح کردند و آن را ظرفیت یک مکان روستایی برای تحقق کیفیت زندگی مطلوب ساکنان دانستند. آنان نشان دادند که زیست‌پذیری روستاها دارای تفاوت‌های فضایی است و به همین دلیل، نمی‌توان سیاستی یکسان برای همه مناطق در نظر گرفت. راهکار پیشنهادی، اتخاذ اقدامات متناسب با تفاوت‌های فضایی، تقویت زیرساخت‌ها و خدمات عمومی، بهداشت محیط، فرصت‌های اشتغال و مشارکت اجتماعی است. در نهایت، زیست‌پذیری مفهومی سیستمی، متعامل و جامع است که با رویکرد توسعه پایدار و نظریه نیازهای انسانی همسو است و ابعاد متنوع و پیچیده‌ای دارد (علینقی‌پور و همکاران، ۱۴۰۰، بازوند و رئیسی، ۱۴۰۱، ایمانی و همکاران، ۱۴۰۱). زیست‌پذیری روستایی به عنوان یک مفهوم چندبعدی و نظام‌مند تعریف می‌شود که بر توانایی سکونتگاه‌های روستایی در پاسخگویی به نیازهای مادی و غیرمادی ساکنان خود دلالت دارد. این مفهوم در پیوند با کیفیت زندگی، پایداری محیطی و انسجام اجتماعی، شامل سه بُعد اصلی زیست‌پذیری اکولوژیکی، سرزندگی اقتصادی و کارآمدی اجتماعی است. زیست‌پذیری روستایی نه‌تنها به زیرساخت‌ها و شرایط فیزیکی محیط سکونت محدود نمی‌شود، بلکه تعاملات اجتماعی، پیوندهای محلی، مشارکت‌های مردمی و شبکه‌های اجتماعی میان ساکنان و سکونتگاه‌ها نیز نقش اساسی در تحقق آن دارند. بر این اساس، ارتقای زیست‌پذیری در سطح محلی می‌تواند منجر به بهبود کیفیت زندگی، بازسازی سرمایه اجتماعی و دستیابی به توسعه‌ای متوازن و پایدار در نواحی روستایی شود. این رویکرد، نگاهی سیستمی و درون‌زا به توسعه دارد که به جای تکیه صرف بر مداخلات بیرونی، بر بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و منابع بومی و منطقه‌ای برای ارتقاء سکونتگاه‌های روستایی تأکید می‌ورزد (ژائو[4] و همکاران، ۲۰۲۵).

در پژوهش میکانیکی (۱۴۰۳)، رابطه بین حکمروایی خوب و زیست‌پذیری در روستاهای شهرستان درمیان بررسی شد و نتایج نشان داد هر دو مؤلفه از دید جامعه محلی در سطح مطلوبی نیستند، اما همبستگی مثبت و نسبتاً قوی میان آن‌ها وجود دارد، بیش‌ترین تأثیر مربوط به پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و قانون‌محوری بود. خلیلی و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی اثرات حکمروایی خوب بر پایداری روستاهای بدوستان غربی شهرستان هریس دریافتند که شاخص توافق جمعی و کارایی–اثربخشی

1- Marefatnia
2-Rezvani
3- Li
4- Zhao

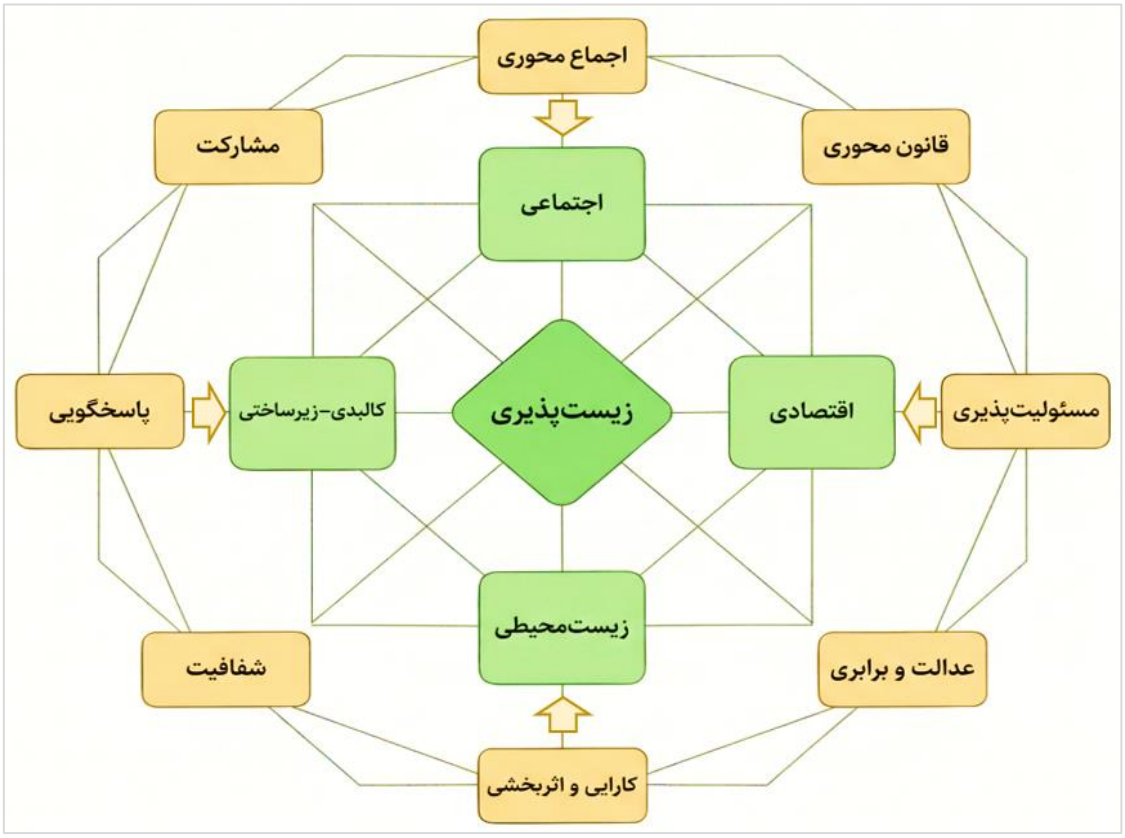
بیش‌ترین وزن و شاخص‌های مشارکت و عدالت‌محوری کم‌ترین وزن را کسب کرده‌اند. موسوی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در روستاهای پیراشهری ارومیه نشان دادند که مؤلفه عدالت و برابری بیش‌ترین تأثیر را در حکمروایی خوب دارد و مسئولیت‌پذیری بیش‌ترین تأثیرپذیری را دارد، روستای بند بالاترین رتبه را در ارزیابی ویکور کسب کرده است. همچنین، بازوند و رئیسی (۱۴۰۱) در روستای گردشگرپذیر تمندان دریافتند که هرچند وضعیت حکمروایی زیر حد مطلوب است، اما زیست‌پذیری بالاتر از حد متوسط ارزیابی شده و شاخص برابری بیش‌ترین و آگاهی اجتماعی کم‌ترین همبستگی را با زیست‌پذیری دارد و حکمروایی بیش‌ترین تأثیر را بر متغیر اجتماعی کم‌ترین تأثیر را بر متغیر زیست‌محیطی دارد. صفائی و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که حکمروایی خوب در روستاهای اسفراین در وضعیت مطلوبی قرار ندارد، اما تأثیر معناداری بر توانمندسازی اجتماعی دارد و بیش‌ترین تأثیر آن بر کیفیت زندگی و کم‌ترین بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی گزارش شده است. رئیسی و بازوند (۱۴۰۱) در ارزیابی اثرات حکمروایی خوب بر سرزندگی خانوارهای روستایی شهرستان زاهدان دریافتند که هر دو متغیر پایین‌تر از سطح مطلوب‌اند و بیش‌ترین تأثیر حکمروایی بر سرزندگی اقتصادی و کم‌ترین بر سرزندگی محیطی بوده است. خداپناه (۱۴۰۰) نیز در بررسی حکمروایی شایسته و زیست‌پذیری در روستاهای بخش مرکزی اردبیل به همبستگی ضعیف تا متوسط بین شاخص‌ها اشاره کرد و نشان داد که شاخص مشارکت‌گرایی نقش کلیدی در بهبود زیست‌پذیری دارد، در حالی‌که بیش‌تر روستاها از نظر زیست‌پذیری در سطح متوسط تا ضعیف قرار دارند. مومنی و همکاران (۱۳۹۹) نیز در دهستان آدران به رابطه قوی میان شاخص‌های حکمروایی خوب و زیست‌پذیری پی بردند، به‌ویژه عدالت‌محوری، مسئولیت‌پذیری و قانون‌محوری، در حالی که شفافیت ضعیف‌ترین تأثیر را داشت. سجاسی و همکاران (۱۳۹۶) نیز ضمن تأیید رابطه مستقیم و قوی میان حکمروایی خوب و توسعه کالبدی روستاها، نشان دادند که ضعف مدیریت محلی و شاخص‌های حکمروایی به افزایش آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی منجر می‌شود.

پانگ و همکاران (۲۰۲۴) با استفاده از مدل معادلات ساختاری، ابعاد اجتماعی–فضایی زیست‌پذیری روستایی در پکن را تحلیل کردند و دریافتند که ساکنان مناطق کوهستانی رضایت بیش‌تری از زیست‌پذیری دارند، پنج بعد اصلی شامل زیرساخت، ظاهر روستا، بار اقتصادی، فضای اجتماعی و خدمات عمومی ارتباط معناداری با رضایت کلی داشتند. همچنین زایتول و همکاران (۲۰۲۳) با تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری، شش اصل بنیادین حکمروایی خوب در مدیریت محلی روستایی را شناسایی کردند که شامل انصاف، مشارکت، شفافیت، مشروعیت، اطلاع‌رسانی و عملکرد است، این اصول چارچوبی اثربخش برای بهبود مدیریت محلی ارائه می‌دهند و در بین گروه‌های مختلف اجتماعی از پذیرش نسبتاً یکسانی برخوردارند. سوهاردی[1] و همکاران (۲۰۲۳) با استفاده از روش ترکیبی و تحلیل SEMpls، تأثیر اصول حکمرانی خوب شامل پاسخگویی، شفافیت و مشارکت بر اعتماد عمومی به مدیریت صندوق‌های روستایی در شهرستان پولووالی ماندار اندونزی را بررسی کردند و نشان دادند که این اصول، اعتماد و مشارکت مردم را تقویت می‌کنند و در نتیجه مدیریت منابع روستایی بهبود می‌یابد. وانگ[2] و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای درباره زیست‌پذیری روستایی در مناطق شرقی چین، ارتباط معنادار بین ابعاد زیست‌پذیری و خدمات عمومی، وضعیت بهداشتی و رضایت از زندگی را یافتند، در حالی که عوامل محیطی و اجتماعی تأثیر کم‌تری داشتند. سارکر و همکاران (۲۰۱۸) نیز در بنگلادش تأکید کردند که حکمرانی خوب، با شفافیت، پاسخگویی و مبارزه با فساد،

1- Suhardi
2- Wang

دسترسی فقرا به خدمات اساسی را تسهیل و کاهش فقر در مناطق روستایی را امکان‌پذیر می‌سازد.

گرچه در سال‌های اخیر مطالعات کمّی معناداری درباره پیوند حکمروایی و زیست‌پذیری روستایی انجام شده است، اغلب آن‌ها یا تنها به بخشی از ابعاد زیست‌پذیری پرداخته‌اند یا مجموعه‌ای محدود از اصول حکمروایی را سنجیده‌اند. شکاف اصلی در پوشش مفهومی است، یعنی نبودِ چارچوبی یکپارچه که همه ابعاد زیست‌پذیری و طیف کامل اصول حکمروایی (از مشارکت و شفافیت تا عدالت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، قانون‌محوری، اجماع‌محوری و کارایی) را به‌طور همزمان در نظر گیرد. بر همین اساس، پژوهش حاضر با اتکا به پیشینه موجود، چارچوبی جامع‌تر را پیشنهاد و در مقیاس محلی آزمون می‌کند تا تصویری دقیق‌تر از اثر حکمروایی مطلوب بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی ارائه شود. در این راستا، مطالعه با تمرکز بر بخش ماهورمیلاتی شهرستان ممسنی، نخست به شناسایی و ارزیابی وضعیت موجود حکمروایی مطلوب و زیست‌پذیری روستاهای منطقه می‌پردازد و سپس رابطه میان آن‌ها و اثرات حکمروایی بر زیست‌پذیری را تحلیل می‌کند. نوآوری تحقیق در ارائه چارچوب مفهومی یکپارچه‌ای نهفته است که امکان تحلیل همزمان شاخص‌های حکمروایی مطلوب و زیست‌پذیری و بررسی تعامل آن‌ها در مقیاس روستایی را فراهم می‌سازد، امری که می‌تواند در بهبود سیاست‌گذاری‌های محلی و ارتقای کیفیت زندگی روستاییان مؤثر واقع شود. در نهایت، بر پایه شاخص‌ها و متغیرهای شناسایی‌شده، مدل مفهومی پژوهش در شکل ۱ بر پایه تلفیق یافته‌های مطالعات پیشین طراحی و ترسیم شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

Figure 1. Conceptual research model

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، پیمایشی و از نوع همبستگی است که با رویکرد توصیفی- تحلیلی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل جمعیت ساکن در ۳۲ روستای منتخب بخش ماهورمیلاتی است که براساس معیارهایی مانند جمعیت، موقعیت جغرافیایی و پراکنش فضایی انتخاب شدند. مجموع جمعیت این روستاها براساس آخرین آمار در دسترس، ۳۰۲۸ نفر بوده است. بنابراین، در این پژوهش عدد ۳۰۲۸ نفر به‌عنوان حجم جامعه آماری در فرمول کوکران وارد شد و براساس رابطه ۱ و سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای مجاز ۵ درصد، حجم نمونه برابر با ۳۴۱ نفر محاسبه گردید. این تعداد، نماینده جمعیت ۳۰۲۸ نفری ساکن در روستاهای مورد مطالعه است. سپس برای توزیع پرسش‌نامه‌ها، سهم هر روستا از نمونه نهایی متناسب با جمعیت آن تعیین شد تا پراکندگی فضایی و وزن جمعیتی روستاها در نمونه‌گیری رعایت شود.

$$n = \frac{Nz^2pq}{d^2(N-1)+z^2pq} \quad (۱)$$

که، N=۳۰۲۸، z=۱.۹۶، p=q=۰.۵ و d=۰.۰۵ در نظر گرفته شده و حجم نمونه نهایی برابر با ۳۴۱ نفر به دست آمده است. در این پژوهش، واحد تحلیل، خانوارهای روستایی بوده است و داده‌ها در سطح پاسخ‌گویان گردآوری شده‌اند و سطح تحلیل پژوهش، روستا بوده است و یافته‌ها در مقیاس محلی تفسیر شده‌اند. داده‌های مورد نیاز از دو شیوه‌ی کتابخانه‌ای و میدانی (پیمایشی) گردآوری شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق‌ساخته بود که پس از بررسی روایی و پایایی مورد استفاده قرار گرفت. برای سنجش روایی صوری، از نظرات خبرگان و متخصصان حوزه توسعه و برنامه‌ریزی روستایی استفاده شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت که برای مؤلفه حکمروایی مطلوب ۰/۹۱۶ و برای مؤلفه زیست‌پذیری ۰/۸۹۶ به‌دست آمد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان داد سطح معناداری ۰/۵۸۰ > ۰/۰۵ است، بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها پذیرفته شده و استفاده از آزمون‌های پارامتریک امکان‌پذیر است. مؤلفه‌های اصلی تحقیق شامل حکمروایی خوب با ۸ شاخص در قالب ۶۴ گویه و مؤلفه زیست‌پذیری با ۱۴ شاخص در قالب ۵۸ گویه به شرح جداول ۲ و ۳ بوده است.

پرسشنامه‌ها بر مبنای طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) طراحی شدند. شیوه توزیع پرسشنامه‌ها بر اساس روش تقسیم به نسبت بوده، به‌گونه‌ای که تعداد پرسشنامه‌های توزیع‌شده در هر روستا متناسب با تعداد جمعیت آن روستا تعیین و به‌صورت تصادفی در میان ساکنان توزیع گردید. از آنجا که تعداد نمونه در برخی روستاها کم‌تر از ۵ نفر بود، به‌منظور افزایش دقت تحلیل‌ها و نتایج بهتر، حجم نمونه افزایش و به ۳۸۷ نفر رسید. برای تحلیل داده‌ها، از آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای جهت سنجش وضعیت حکمروایی خوب و زیست‌پذیری و برای تحلیل رابطه و همبستگی بین این دو متغیر، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. کلیه تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت.

در ادامه در جدول ۱، شاخص‌های حکمروایی روستایی و در جدول ۲، شاخص‌های زیست‌پذیری روستایی ارائه شده است.

جدول۱- شاخص‌ها و نماگرهای حکمروایی روستایی

Table 1- Indicators and indicators of good rural governance

شاخص	نماگر
مشارکت	مشورت دهیاری با مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، نظرخواهی از روستاییان در تدوین برنامه‌ها و سند چشم‌انداز، همکاری مردم با نهادهای دولتی و دهیاری در اجرای پروژه‌ها، مشارکت در نهادها و تشکل‌های محلی (بسیج، تعاونی‌ها...)، سرمایه‌گذاری مردمی در طرح‌های اقتصادی، کمک فکری و نیروی انسانی مردم در اجرای پروژه‌ها (خودیاری)، مشارکت در فعالیت‌های عام‌المنفعه (ساخت راه، مسجد، مدرسه...)، مشارکت در انتخابات شوراها
قانون‌محوری	پایبندی دهیار و مدیران محلی به قوانین رسمی، میزان آگاهی مدیران از قوانین و حقوق روستاییان، رعایت عرف، آداب و هنجارهای فرهنگی توسط مسئولان، بی‌طرفی دهیار در اجرای قانون (عدم تبعیض)، وجود سازوکار جلوگیری از فساد اداری، کنترل و مقابله با نفوذ گروه‌های ذی‌نفوذ در تصمیم‌گیری، رعایت حقوق جمعی و فردی در تصمیمات، رسیدگی به تقاضاها بر مبنای ضابطه مشخص
پاسخگویی	اطلاع‌رسانی درباره برنامه‌ها و هزینه‌های دهیاری، پاسخ‌گویی دهیاری به خواسته‌ها و مطالبات مردم، وجود سازوکار رسمی برای دریافت و رسیدگی به شکایات، حضور منظم دهیار و کارکنان در محل کار، سازماندهی مناسب برای اجرای نظام پاسخگویی، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با مردم، میزان رضایتمندی مردم از پاسخگو بودن مسئولان، سهولت ملاقات مستقیم با دهیار و شورا
مسئولیت‌پذیری	پیگیری مستمر مشکلات روستا، رعایت وعده‌ها و قول‌های داده‌شده، انجام صحیح و متعهدانه مسئولیت‌ها، پذیرش اشتباهات از سوی مدیران، رفتار منصفانه با مردم، جلب اعتماد و رضایت عمومی، شایسته‌سالاری در واگذاری مسئولیت‌ها، اطلاع‌رسانی مستمر درباره فعالیت‌ها و برنامه‌ها
شفافیت	اطلاع‌رسانی درباره طرح‌ها و زمان‌بندی اجرای آن‌ها، ارائه اطلاعات شفاف درباره درآمدها و هزینه‌ها، دسترسی آزاد مردم به اطلاعات مالی و اجرایی، شفافیت در چگونگی تصویب و اولویت‌بندی طرح‌ها، انتشار عمومی وضعیت عملکرد دهیاری و شورا، حل اختلافات به‌صورت آشکار و منصفانه، ایجاد اعتماد عمومی از طریق رفتار شفاف، گزارش‌دهی مستمر درباره اقدامات دهیاری
کارایی و اثربخشی	استفاده از افراد با تجربه و دانش‌محور در اجرای برنامه‌ها، کاهش هزینه‌ها و زمان اجرای پروژه‌ها، استفاده مؤثر و بهینه از منابع مالی و انسانی، رعایت اولویت‌بندی در انتخاب پروژه‌ها، بهبود مستمر در فرآیندها و ساختارها، ظرفیت‌سازی و نهادینه‌سازی فرهنگ توانمندسازی، ارتقای فرآیند برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست
توافق جمعی (اجماع‌محوری)	همکاری و هماهنگی بین دهیار و شورای اسلامی، تعامل با سازمان‌ها و نهادهای قانونی، توافق میان مدیران محلی و اقشار مختلف (جوانان، ریش‌سفیدان...)، استفاده از دیدگاه‌های جمعی در تصمیم‌سازی، وجود نگرش مثبت به کار جمعی در میان مسئولان و مردم، سازوکارهای حل اختلاف و کاهش تنش‌های محلی، اعتماد و رضایت مردم از تعامل با مدیران، تعادل روابط دهیاری با نهادهای اجتماعی و فرهنگی
عدالت و برابری	توزیع عادلانه منابع و امکانات، رعایت عدالت در مکان‌یابی و بودجه‌بندی پروژه‌ها، دریافت برابر عوارض از روستاییان، عدم استفاده از قدرت برای منافع شخصی، رعایت عدالت در رسیدگی به درخواست‌ها، در نظر گرفتن تخفیف برای اقشار آسیب‌پذیر، ترجیح منافع جمعی در تصمیم‌گیری‌ها، عدالت در رفتار مدیران با همه اقشار

منبع: پژوهشگر (۱۴۰۴)، برگرفته و تلفیق‌شده از مطالعات اسنادی و پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی.

جدول۲- ابعاد و نماگرهای زیست‌پذیری

Table 2- Dimensions, indicators, and indicators of livability

بعد	نماگر
اقتصادی	وجود شغل مناسب و مرتبط با تخصص و علاقه، فرصت‌های شغلی کافی و متنوع، امنیت شغلی و رضایت از وضعیت شغل، امکان انتخاب شغل باب میل، امیدواری به بهبود وضعیت شغلی در آینده، انگیزه برای سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در روستا، رضایت از میزان درآمد فعلی، کفایت درآمد برای تأمین هزینه‌های زندگی، توانایی پس‌انداز در مواقع نیاز، امیدواری به پایداری و بهبود سطح درآمد در آینده، دسترسی اقتصادی به خدمات عمومی و ارتباطی (آب، برق، تلفن، اینترنت)
اجتماعی	فضای آموزشی مناسب، دسترسی به مدارس، کیفیت تجهیزات آموزشی و کتابخانه، امکانات ورزشی، فرهنگی و مذهبی، مکان‌های فرهنگی-تاریخی، مراکز تفریحی، تعامل خوب با همسایگان، امید به بهبود زندگی، رابطه مثبت با روستا، مشارکت جمعی، همکاری زنان، روحیه کار گروهی، اعتماد اجتماعی، پایین بودن نرخ جرم، امنیت زنان و کودکان، نبود نزاع، امنیت شبانه‌روزی
کالبدی-زیرساختی	استحکام بنا، بهداشت و روشنایی، تهویه، مقاوم‌سازی، استفاده از مصالح بادوام، وجود وسایل نقلیه عمومی، شبکه حمل و نقل، کیفیت جاده‌ها، دسترسی به شهرها، وضعیت مناسب معابر، میدان، فضای تجمع، ارتباطات محله‌ای، دسترسی به خدمات جمع‌آوری پسماند، نظافت محیط روستا (جمع‌آوری زباله و...)، وضعیت فاضلاب و سیستم‌های دفع آن
زیست‌محیطی	کیفیت رعایت بهداشت فردی و محیطی، آلودگی آب، خاک یا محیط پیرامون روستا، نظارت بر بهداشت محیط، مشارکت ساکنان در حفظ پاکیزگی، حفظ طبیعت اطراف، چشم‌انداز زیبا، فضای سبز طبیعی، آرامش صوتی، تغییر بافت روستا نسبت به گذشته، استفاده از مصالح بومی در ساخت منظر و نمای خانه‌ها

منبع: پژوهشگر (۱۴۰۴)، برگرفته و تلفیق‌شده از مطالعات اسنادی و پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی.

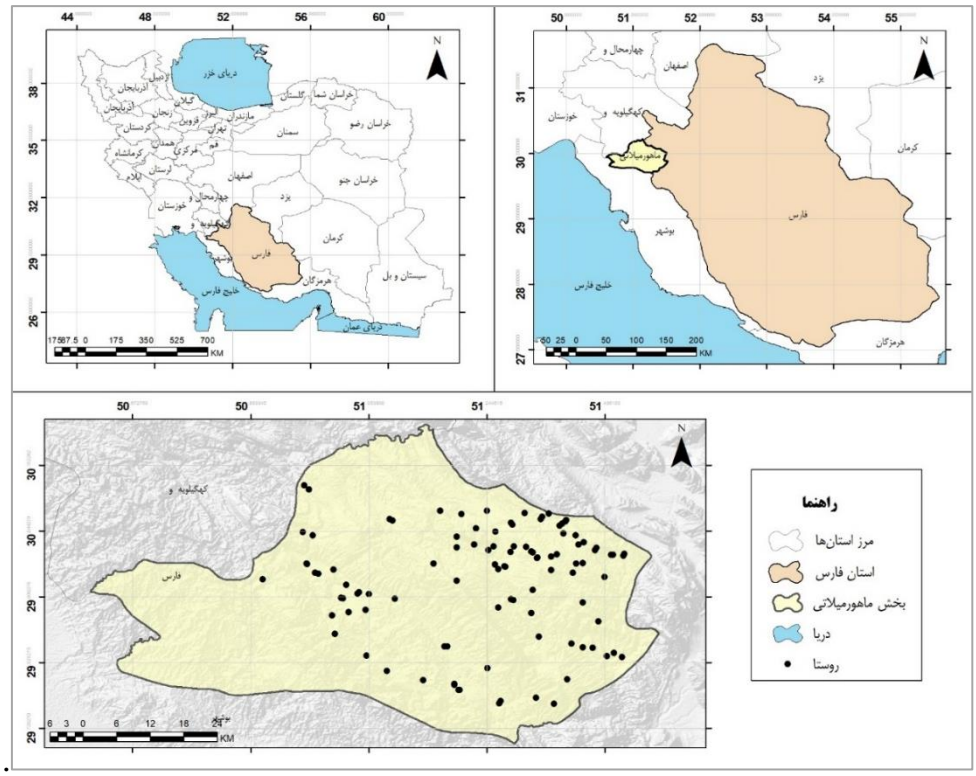
ایـن شهرسـتان دارای چهـار بخـش مرکـزی، جـوزار، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتـی اسـت. بخـش مـاهور میلاتـی بـا مرکزیت شهر بابامنیر، مشتمل بر دو دهستان ماهور و میشـان و ۵۷ آبادی دارای سکنه می‌باشد (سـالنامه آمـاری اسـتان فـارس، ۱۴۰۱). بخش ماهور میلاتی از نظر موقعیت طبیعی و فضایی، در پهنه‌ای عمدتاً روستایی، کوهستانی و نیمـه‌دورافتاده قـرار دارد و بخش قابل توجهی از مساحت آن در طبقـات ارتفـاعی کم‌تـر از ۷۵۰ متر و ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ متر واقع شده است، به‌گونـه‌ای کـه در گزارش مطالعات توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مناطق روسـتایی استان فارس (۱۳۹۸)، بیش‌ترین مساحت بخش ماهور میلاتی در طبقه ارتفاعی ۷۵۰ تا ۱۵۰۰ متر و سپس در طبقه کم‌تـر از ۷۵۰ متر گزارش شده است. همچنین بیش‌تر روستاهای مورد مطالعـه دارای شیب کم‌تر از ۱۰ درصد هستند، هرچند برخی سکونتگاه‌ها مانند مرغ‌بـزرگ در پهنـه‌های شـیب‌دارتر قـرار گرفته‌انـد. ایـن وضـعیت، از یک‌سـو ظرفیت‌هـایی بـرای کشـاورزی، دامـداری، بهره‌برداری از مراتع و توسعه فعالیت‌های مبتنی بر منابع طبیعـی ایجاد کرده و از سـوی دیگـر، پراکنـدگی فضـایی سـکونتگاه‌ها، فاصـله از مراکـز خـدماتی و دشـواری دسترسـی را بـه یکـی از متغیرهای مؤثر بر زیست‌پذیری روستایی تبـدیل کـرده اسـت. از نظر ساختار اجتماعی و فرهنگی، حضور تیره‌هایی از ایـل بـزرگ قشقایی، بـه‌ویژه در قالـب دو طایفـه کشـکولی و دره‌شـوری، از ویژگی‌های هویتی و فرهنگی بخـش مـاهور میلاتـی بـه شـمار می‌رود. این پیشینه ایلی و عشایری، همـراه بـا سـابقه طـولانی زیست روستایی، موجب شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی مبتنی بر خویشاوندی، همیاری محلی، تعلق مکـانی و روابـط معیشـتی در سکونتگاه‌های روستایی منطقه شده است. از نظر اقتصـادی نیـز، ساختار معیشت روستایی در ماهور میلاتی عمدتاً بر فعالیت‌هـای کشاورزی، دامداری، بهره‌برداری از مراتع و خدمات محلی استوار است و همین امر، پیوند نزدیکی میان جامعه محلی، منابع طبیعی و الگوی سکونت روستایی ایجاد کرده است. در مجموع، ترکیـب ویژگی‌های طبیعی، فرهنگی، ایلی و معیشتی، مـاهور میلاتـی را به محدوده‌ای با هویت روستایی برجسـته و ظرفیت‌هـای متنـوع برای مطالعـه رابطـه میـان حکمروایـی محلـی و زیسـت‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی تبدیل کرده اسـت (سـازمان مـدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۸).

نتایج و بحث

بـه‌منظور شـناخت ترکیـب جمعیت‌شـناختی پاسـخگویان، مشخصات فردی آنان شامل جـنس، سـن، سـطح تحصـیلات و شغل بررسی شد. نتایج جدول ۳ نشـان می‌دهـد کـه از مجمـوع ۳۸۷ نفر پاسخگو، ۲۶۳ نفر معـادل ۶۸ درصـد مـرد و ۱۲۴ نفـر معادل ۳۲ درصـد زن بوده‌انـد. بررسـی گروه‌هـای سـنی نشـان می‌دهد که بیش‌ترین فراوانی مربوط بـه گـروه سـنی ۳۰ تـا ۴۰ سال با ۱۳۵ نفر معادل ۳۴/۹ درصد است. پس از آن، گروه‌هـای سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، ۲۰ تا ۳۰ سال و زیر ۲۰ سـال بـه‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. ایـن توزیـع بیـانگر آن اسـت کـه بخش قابل توجهی از پاسخگویان در سنین فعال اقتصادی قـرار دارند و از این نظر می‌توانند شناخت مناسبی از شرایط معیشـتی، شغلی و آسیب‌پذیری خانوار در برابر سیلاب داشته باشند.

از نظر سطح تحصیلات، ۱۴۸ نفر معادل ۳۸/۲ درصـد دارای دیـپلم و فـوق‌دیپلم بوده‌انـد کـه بیش‌تـرین سـهم را در میـان پاسخگویان تشکیل می‌دهـد. همچنـین ۱۰۵ نفـر معـادل ۲۷/۱ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر، ۸۷ نفـر معـادل ۲۲/۵ درصد دارای تحصیلات سـیکل و ۴۷ نفـر معـادل ۱۲/۲ درصـد دارای سواد خواندن و نوشتن بوده‌اند. بنابراین، سایر پاسـخگویان نیز در گروه‌های تحصیلی مشخص طبقه‌بندی شده‌اند و مجمـوع

درصدها کل نمونه آماری را پوشش می‌دهد. در خصوص وضعیت شغلی، بیش‌ترین فراوانی مربوط به کشاورزان با ۱۴۳ نفر معادل ۳۶/۹ درصد است. پس از آن، مشاغل آزاد با ۱۱۲ نفر معادل ۲۸/۹درصد، دامداران با ۷۶ نفر معادل ۱۹/۷ درصد و کارمندان با ۵۶ نفر معادل ۱۴/۵ درصد قرار دارند. این توزیع نشان می‌دهد که ساختار اقتصادی جامعه مورد مطالعه عمدتاً مبتنی بر فعالیت‌های بخش اولیه، به‌ویژه کشاورزی و دامداری، و همچنین مشاغل محلی و خدماتی است.



شکل۲- موقعیت محدوده مورد مطالعه
Figure 2. Location of the study area

در ادامه به‌منظور تبیین و تحلیل دقیق روابط میان متغیرهای پژوهش، ابتدا وضعیت موجود شاخص‌های حکمروایی و زیست‌پذیری روستایی مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس به‌کمک آزمون‌های آماری استنباطی، همبستگی بین متغیرها و تأثیر شاخص‌های حکمروایی بر زیست‌پذیری روستایی بررسی و تحلیل شد تا تصویری روشن از پیوند میان این دو مقوله ارائه گردد.

بررسی وضعیت حکمروایی روستایی

برای بررسی وضعیت حکمروایی روستایی در بخش مورد مطالعه، از هشت شاخص اصلی شامل مشارکت، قانون‌محوری، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری، شفافیت، کارایی و اثربخشی، توافق جمعی و عدالت و برابری استفاده شد. بر اساس آزمون t تک‌نمونه‌ای و با در نظر گرفتن میانگین عددی مطلوبیت برابر با ۳، نتایج نشان داد که میانگین تمامی شاخص‌ها کم‌تر از عدد ۳ بوده و وضعیت حکمروایی روستایی در سطح نامطلوب قرار دارد. در این میان، شاخص‌های پاسخگویی (میانگین ۲/۶۹۰۹) و قانون‌محوری (میانگین ۲/۶۹۵۴) پایین‌ترین مقادیر را به خود اختصاص داده‌اند و نشان‌دهنده ضعف جدی در این ابعاد هستند.

جدول۳- مشخصات فردی پاسخگویان

Table 3–Personal characteristics of respondents

مولفه‌های توصیفی	طبقات	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۶۳	۶۸/۰
	زن	۱۲۴	۳۲/۰
سن	زیر ۲۰ سال	۴۵	۱۱/۶
	۲۰ تا ۳۰ سال	۹۲	۲۳/۸
	۳۰ تا ۴۰ سال	۱۳۵	۳۴/۹
	۴۰ تا ۵۰ سال	۶۷	۱۷/۳
	بالای ۵۰ سال	۴۸	۱۲/۴
تحصیلات	خواندن و نوشتن	۴۷	۱۲/۲
	سیکل	۸۷	۲۲/۵
	دیپلم و فوق‌دیپلم	۱۴۸	۳۸/۲
	لیسانس و بالاتر	۱۰۵	۲۷/۱
شغل	کشاورز	۱۴۳	۳۶/۹
	دامدار	۷۶	۱۹/۷
	مشاغل آزاد	۱۱۲	۲۸/۹
	کارمند	۵۶	۱۴/۵
جمع		۳۸۷	۱۰۰/۰

شاخص‌های توافق جمعی (میانگین ۲/۷۸۲۹) و شفافیت (میانگین ۲/۷۹۹۴) نیز فاصله قابل‌توجهی با سطح مطلوبیت دارند. در مقابل، شاخص‌های مشارکت (میانگین ۲/۸۹۴۷)، کارایی و اثربخشی(۲/۸۹۲۱)، مسئولیت‌پذیری (۲/۸۴۷۵) و عدالت و برابری (۲/۸۳۵۹) نسبت به سایر شاخص‌ها وضعیت بهتری دارد، هرچند همچنان پایین‌تر از حد مطلوب است. در نهایت، میانگین کل حکمروایی روستایی برابر با ۲/۸۰۴۹ به دست آمد که به‌طور معناداری کم‌تر از سطح مطلوبیت بوده و بیانگر آن است که حکمروایی روستایی در منطقه مورد مطالعه نیازمند بهبود و تقویت در تمامی شاخص‌ها، به‌ویژه در ابعاد پاسخگویی و قانون‌محوری است (جدول۴).

جدول٤- میانگین شاخص‌های حکمروایی از منظر نمونه مورد مطالعه

Table 4– Average indicators of favorable governance from the perspective of the study sample

مطلوبیت عددی=۳							
شاخص	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
مشارکت	۲/۸۹۴۷	۰/۵۳۰۹۹	۳/۹۰۱-	۰/۰۰۰	۰/۱۰۵۳-	۰/۰۵۲۲-	۰/۱۵۸۴-
قانون‌محوری	۲/۶۹۵۴	۰/۴۶۸۱۱	۱۲/۸۰۰-	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴۶-	۰/۲۵۷۸-	۰/۳۵۱۴-
پاسخگویی	۲/۶۹۰۹	۰/۴۶۷۸۱	۱۲/۹۹۹-	۰/۰۰۰	۰/۳۰۹۱-	۰/۲۶۲۴-	۰/۳۵۵۹-
مسئولیت‌پذیری	۲/۸۴۷۵	۰/۵۲۳۲۰	۵/۷۳۲-	۰/۰۰۰	۰/۱۵۲۵-	۰/۱۰۰۲-	۰/۲۰۴۷-
شفافیت	۲/۷۹۹۴	۰/۵۲۲۸۹	۷/۵۴۶-	۰/۰۰۰	۰/۲۰۰۶-	۰/۱۴۸۳-	۰/۲۵۲۸-
کارایی و اثربخشی	۲/۸۹۲۱	۰/۴۷۲۸۶	۴/۴۸۸-	۰/۰۰۰	۰/۱۰۷۹-	۰/۰۶۰۶-	۰/۱۵۵۱-
توافق جمعی	۲/۷۸۲۹	۰/۵۴۸۲۴	۷/۷۸۹-	۰/۰۰۰	۰/۲۱۷۱-	۰/۱۶۲۳-	۰/۲۷۱۸-
عدالت و برابری	۲/۸۳۵۹	۰/۴۸۴۴۲	۶/۶۶۳-	۰/۰۰۰	۰/۱۶۴۱-	۰/۱۱۵۷-	۰/۲۱۲۵-
میانگین کل	۲/۸۰۴۹	۰/۱۷۷۰۷	۲۱/۶۷۹-	۰/۰۰۰	۰/۱۹۵۱-	۰/۱۷۷۴-	۰/۲۱۲۸-

بررسی وضعیت زیست‌پذیری روستایی

در بررسی وضعیت زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی، چهار شاخص کلیدی شامل اقتصادی، اجتماعی، کالبدی-زیرساختی و زیست‌محیطی مورد ارزیابی قرار گرفتند. در این تحلیل نیز، همچون بخش حکمروایی، از آزمون t تک‌نمونه‌ای استفاده شده و مقدار عددی ۳ به‌عنوان سطح مطلوب زیست‌پذیری در نظر گرفته شده است.

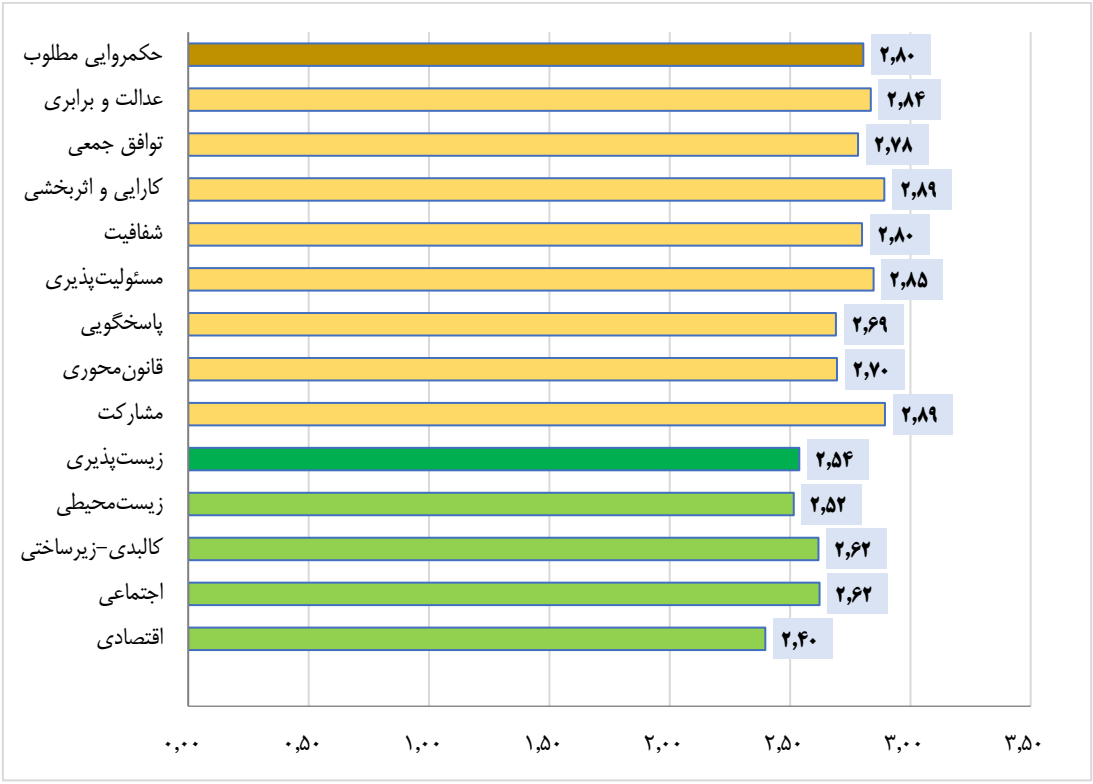
نتایج به‌روشنی نشان می‌دهند که میانگین تمامی شاخص‌ها کم‌تر از مقدار مطلوب ۳ بوده و در سطح معناداری ۰/۰۰۰، همگی از لحاظ آماری معنادار هستند. شاخص اقتصادی با میانگین ۲/۳۹۷۷ پایین‌ترین سطح زیست‌پذیری را نشان می‌دهد که گویای چالش‌های معیشتی، اشتغال و درآمدی در روستاهای منطقه است. شاخص زیست‌محیطی نیز با میانگین ۲/۵۱۵۸ بیانگر ضعف در بهداشت محیط، کیفیت چشم‌انداز و مشارکت زیست‌محیطی است. شاخص‌های اجتماعی (۲/۶۲۳۰) و کالبدی-زیرساختی (۲/۶۱۸۵) نیز به‌رغم میانگین نسبتاً بالاتر، همچنان پایین‌تر از سطح مطلوب ارزیابی شده‌اند و تفاوت آماری معناداری با عدد ۳ دارند. در مجموع، میانگین کل زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی برابر با ۲/۵۳۸۸ بوده که به‌صورت آماری به‌شکل معنادار و قابل توجهی پایین‌تر از سطح معیار ۳ قرار دارد و وضعیت زیست‌پذیری در منطقه را نامطلوب و نیازمند مداخله‌های اساسی و برنامه‌ریزی‌شده نشان می‌دهد (جدول۵).

جدول۵- میانگین شاخص‌های زیست‌پذیری از منظر نمونه مورد مطالعه

Table 5- Average livability indicators from the perspective of the study sample

مطلوبیت عددی=۳							
شاخص	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
						حد بالا	حد پایین
اقتصادی	۲/۳۹۷۷	۰/۳۹۴۷۱	-۳۰/۰۱۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۰۲۳	-۰/۵۶۲۹	-۰/۶۴۱۸
اجتماعی	۲/۶۲۳۰	۰/۳۴۵۸۵	-۲۱/۴۴۱	۰/۰۰۰	-۰/۳۷۷۰	-۰/۳۴۲۴	-۰/۴۱۱۵
کالبدی-زیرساختی	۲/۶۱۸۵	۰/۳۴۴۷۱	-۲۱/۷۷۰	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۱۵	-۰/۳۴۷۰	-۰/۴۱۵۹
زیست‌محیطی	۲/۵۱۵۸	۰/۴۲۹۰۴	-۲۲/۲۰۳	۰/۰۰۰	-۰/۴۸۴۲	-۰/۴۴۱۴	-۰/۵۲۷۱
میانگین کل	۲/۵۳۸۸	۰/۱۸۴۶۲	-۴۹/۱۴۸	۰/۰۰۰	-۰/۴۶۱۲	-۰/۴۴۲۸	-۰/۴۷۹۷

در شکل ۳، میانگین شاخص‌های حکمروایی و زیست‌پذیری را از منظر نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، میانگین کلی حکمروایی (۲/۸۰) و زیست‌پذیری (۲/۵۴) هر دو پایین‌تر از سطح معیار عددی ۳ قرار دارند و وضعیت نامطلوبی را بازتاب می‌دهند. در میان شاخص‌های حکمروایی، بالاترین میانگین مربوط به کارایی و اثربخشی (۲/۸۹) و مشارکت (۲/۸۹) بوده، در حالی‌که پایین‌ترین مقادیر به پاسخگویی (۲/۶۹) و قانون‌محوری (۲/۷۰) تعلق دارد. در حوزه زیست‌پذیری نیز، شاخص اجتماعی (۲/۶۲) و کالبدی-زیرساختی (۲/۶۲) در وضعیت بهتری نسبت به سایر ابعاد قرار دارند، اما شاخص اقتصادی (۲/۴۰) پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص داده و نشان‌دهنده مشکلات جدی معیشتی در روستاهاست. این یافته‌ها حاکی از آن است که ضعف در شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی به‌همراه کمبود پاسخگویی و قانون‌محوری در مدیریت روستایی، به‌طور مستقیم بر سطح زیست‌پذیری تأثیرگذار بوده‌اند.



شکل۳- میانگین شاخص‌های حکمروایی و زیست‌پذیری از منظر نمونه مورد مطالعه

Figure 3. Average indicators of favorable governance and livability from the perspective of the study sample

بررسی رابطه بین شاخص‌های حکمروایی و زیست‌پذیری

برای بررسی رابطه بین شاخص‌های حکمروایی و زیست‌پذیری روستایی، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که تمامی شاخص‌های حکمروایی مطلوب دارای رابطه مثبت و معنادار با زیست‌پذیری روستایی هستند، به‌طوری که سطح معناداری برای همه شاخص‌ها برابر با ۰/۰۰۰ و کم‌تر از ۰/۰۵ بوده است. بیش‌ترین میزان همبستگی به شاخص قانون‌محوری (۰/۴۸۶) تعلق دارد که بیانگر تأثیر چشمگیر رعایت قوانین، شفافیت حقوقی و نظم نهادی بر بهبود زیست‌پذیری روستاها است. پس از آن، شاخص‌های شفافیت (۰/۴۷۲) و مشارکت (۰/۴۶۹) نیز همبستگی قابل توجهی با زیست‌پذیری دارند. در مقابل، کم‌ترین میزان همبستگی در میان شاخص‌ها مربوط به عدالت و برابری (۰/۴۴۱) بوده که هرچند از نظر آماری معنادار است، اما شدت رابطه آن نسبت به سایر ابعاد کم‌تر می‌باشد (جدول۶).

به طور کلی، این نتایج حاکی از آن است که ارتقای شاخص‌های حکمروایی به‌ویژه در حوزه‌های قانون‌محوری، شفافیت و مشارکت می‌تواند به بهبود زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی منجر شود و به‌عنوان یک رویکرد کلیدی در برنامه‌ریزی توسعه روستایی مدنظر قرار گیرد. همچنین، با توجه به اینکه میزان همبستگی شاخص‌های حکمروایی با زیست‌پذیری در سطح متوسط (۰/۴۴ تا ۰/۴۸) قرار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر حکمروایی، عوامل دیگری نیز در بهبود زیست‌پذیری مؤثرند و لازم است در برنامه‌های توسعه‌ای روستایی به این متغیرهای مکمل نیز توجه شود.

جدول ٦- نتایج میزان همبستگی بین حکمروایی و زیست‌پذیری با ضریب همبستگی پیرسون

Table 6– Results of the correlation between favorable governance and livability with Pearson correlation coefficient

متغیر مستقل	متغیر وابسته	میزان همبستگی	سطح معنی‌داری
مشارکت	زیست‌پذیری	۰/۴۶۹	۰/۰۰۰
قانون‌محوری		۰/۴۸۶	۰/۰۰۰
پاسخگویی		۰/۴۶۷	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری		۰/۴۵۳	۰/۰۰۰
شفافیت		۰/۴۷۲	۰/۰۰۰
کارایی و اثربخشی		۰/۴۶۵	۰/۰۰۰
توافق جمعی (اجماع‌محوری)		۰/۴۶۲	۰/۰۰۰
عدالت و برابری		۰/۴۴۱	۰/۰۰۰

بررسی اثرات حکمروایی روستایی بر زیست‌پذیری روستایی

به‌منظور بررسی اثرات حکمروایی مطلوب بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی بخش ماهور میلاتی، از آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شد تا تأثیر هم‌زمان شاخص‌های حکمروایی بر زیست‌پذیری تحلیل شود. نتایج نشان داد که ضریب همبستگی چندگانه (۰/۷۵۱) بیانگر وجود رابطه‌ای قوی بین این دو متغیر است. همچنین، ضریب تعیین (۰/۵۶۳) حاکی از آن است که حدود ۵۶ درصد از تغییرات زیست‌پذیری توسط ابعاد حکمروایی مطلوب تبیین می‌شود. مقدار ضریب تعیین تصحیح‌شده (۰/۵۴۴) و خطای معیار پایین (۰/۴۲) نیز بر برازش مناسب مدل و دقت نتایج تأکید دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بهبود شاخص‌های حکمروایی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای زیست‌پذیری روستایی ایفا کند (جدول۷).

جدول۷. تحلیل واریانس اثرات حکمروایی روستایی بر زیست‌پذیری

Table 7. Analysis of variance of the effects of good rural governance on livability

خطای معیار	ضریب تعیین تصحیح شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۲	۰/۵۴۴	۰/۵۶۳	۰/۷۵۱

نتایج جدول تحلیل واریانس نشان می‌دهد که مدل رگرسیون خطی چندگانه به‌کاررفته برای بررسی اثرات حکمروایی روستایی بر زیست‌پذیری از برازش و معناداری مطلوبی برخوردار است. مقدار آماره F برابر با ۲۵/۵۲ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ بیانگر آن است که مدل رگرسیونی به‌طور معناداری قادر به تبیین تغییرات متغیر وابسته (زیست‌پذیری) از طریق متغیرهای مستقل (شاخص‌های حکمروایی مطلوب) است. همچنین نسبت بالای مجموع مربعات مربوط به اثر رگرسیون (۱۸/۴۶) نسبت به باقیمانده (۴/۵۸) نشان‌دهنده سهم حکمروایی در توضیح واریانس زیست‌پذیری روستایی است. بنابراین، این نتایج تأیید می‌کند که مدل مورد استفاده دارای قدرت پیش‌بینی و رابطه خطی میان متغیرهای مورد مطالعه است (جدول۸).

بر اساس نتایج جدول ضرایب رگرسیون (جدول ۹)، شاخص‌های حکمروایی تأثیرات متفاوتی بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی دارند. شاخص‌های قانون‌محوری (بتا=۰/۳۲۰)، پاسخگویی (بتا=۰/۲۹۰)، مسئولیت‌پذیری (بتا=۰/۲۷۵) و کارایی و اثربخشی (بتا=۰/۲۶۰) به دلیل ضرایب استاندارد بالا و سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۵، به‌عنوان اثرگذارترین ابعاد حکمروایی در بهبود زیست‌پذیری شناسایی شدند. همچنین شاخص‌های مشارکت (بتا=۰/۲۱۰) و شفافیت

(بتا=۰/۱۸۵) نیز اثر مثبت و معناداری بر زیست‌پذیری داشته‌اند، هرچند میزان تأثیر آن‌ها نسبت به شاخص‌های قبلی کم‌تر است.

جدول۸- تحلیل واریانس مبتنی بر وجود رابطه خطی بین اثرات حکمروایی روستایی بر زیست‌پذیری

Table 8- Analysis of variance based on the existence of a linear relationship between the effects of good rural governance on livability

مؤلفه	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری
اثر رگرسیون	۱۸/۴۶	۸	۹/۸۲	۲۵/۵۲	۰/۰۰۰
باقیمانده	۴/۵۸	۳۷۸	۰/۱۶۳		
جمع	۲۳/۰۴	۳۸۶			

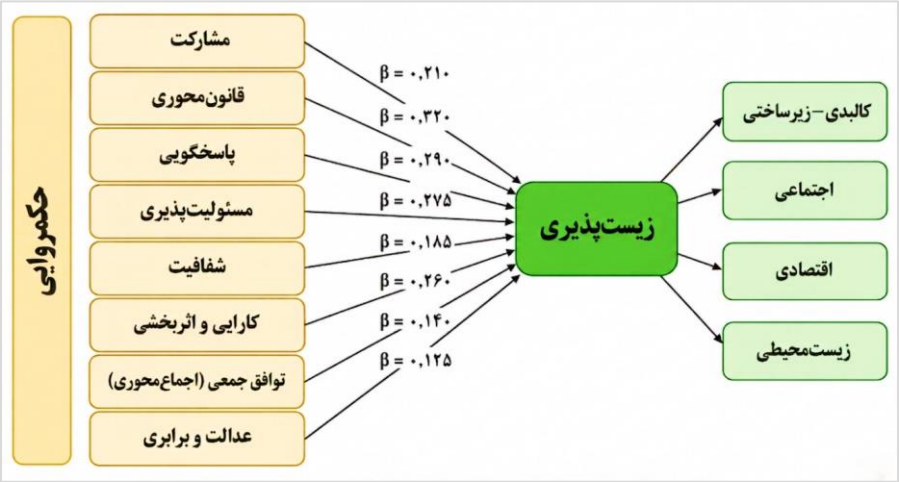
در مقابل، شاخص‌های توافق جمعی (بتا=۰/۱۴۰) و عدالت و برابری (بتا=۰/۱۲۵) با وجود اثر مثبت، به دلیل سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ در مدل اثر معناداری نشان نداده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از کم‌توجهی به مکانیزم‌های رسمی توافق و عدالت اجتماعی در محیط‌های روستایی و یا غلبه شاخص‌های ساختاری‌تر مانند قانون‌محوری و پاسخگویی بر سایر ابعاد نرم‌تر حکمروایی باشد. با این حال، تقویت این دو شاخص می‌تواند در بلندمدت به افزایش سرمایه اجتماعی و پایداری زیست‌پذیری روستایی کمک کند.

جدول۹- ضریب رگرسیون متغیرهای مستقل (حکمروایی) و متغیر وابسته (زیست‌پذیری)

Table 9- Regression coefficient of independent variables (desirable governance) and dependent variable (livability)

شاخص‌ها	ضریب استاندارد	ضریب غیراستاندارد		T	سطح معنی‌داری
	Beta	خطای استاندارد	B		
مقدار ثابت	-	۰/۱۸۰	۰/۵۲۰	۲/۸۸۸	۰/۰۰۱
مشارکت	۰/۲۱۰	۰/۲۸۰	۰/۴۲۰	۳/۱۵۰	۰/۰۰۴
قانون‌محوری	۰/۳۲۰	۰/۲۵۰	۰/۵۹۰	۴/۱۸۰	۰/۰۰۰
پاسخگویی	۰/۲۹۰	۰/۲۷۰	۰/۵۳۰	۳/۸۹۰	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	۰/۲۷۵	۰/۲۶۰	۰/۵۰۰	۳/۶۲۰	۰/۰۰۰
شفافیت	۰/۱۸۵	۰/۳۰۰	۰/۴۱۰	۲/۴۵۰	۰/۰۱۵
کارایی و اثربخشی	۰/۲۶۰	۰/۲۴۰	۰/۵۴۰	۳/۵۰۰	۰/۰۰۰
توافق جمعی (اجماع‌محوری)	۰/۱۴۰	۰/۳۱۰	۰/۳۸۰	۱/۹۰۰	۰/۰۵۸
عدالت و برابری	۰/۱۲۵	۰/۳۲۰	۰/۳۶۰	۱/۷۸۰	۰/۰۷۵

یافته‌های شکل ۴ نشان می‌دهد که زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی بیش از همه متکی بر ابعاد نهادی و مدیریتی حکمروایی به‌ویژه قانون‌محوری، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری است که با ایجاد شفافیت و تعهد در مدیریت محلی، مسیر بهبود خدمات و ارتقای کیفیت زندگی را فراهم می‌کنند. در مقابل، شاخص‌های اجتماعی-ارزشی مانند مشارکت، شفافیت، اجماع‌محوری و عدالت، گرچه اهمیت نظری بالایی دارند، اما در عمل وزن کم‌تری یافته‌اند که می‌تواند ناشی از غلبه ساختارهای رسمی بر ظرفیت‌های غیررسمی باشد. بر این اساس، راهبرد توسعه پایدار روستایی در گرو تقویت هم‌زمان سازوکارهای نهادی و ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی است، تلفیقی که ضمن افزایش کارآمدی مدیریتی، سرمایه اجتماعی و حس تعلق محلی را نیز ارتقا داده و در نهایت به پایداری و زیست‌پذیری بیش‌تر سکونتگاه‌های روستایی منجر خواهد شد.



شکل٤- اهمیت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین زیست‌پذیری

Figure 4. Relative importance of independent variables in explaining livability

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که هر دو مؤلفه حکمروایی و زیست‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی در بخش ماهورمیلاتی شهرستان ممسنی پایین‌تر از سطح مطلوبیت ارزیابی می‌شوند و این امر بیانگر وجود چالش‌های ساختاری و نهادی در مدیریت و کیفیت زندگی روستایی است. یافته‌های آزمون t تک‌نمونه‌ای نشان داد که شاخص‌های حکمروایی به‌ویژه پاسخگویی و قانون‌محوری در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و ضعف در این ابعاد منجر به کاهش اعتماد عمومی و کاهش مشارکت ساکنان شده است. همچنین، ارزیابی شاخص‌های زیست‌پذیری نشان داد که بعد اقتصادی به دلیل مشکلات اشتغال و درآمدی پایین‌ترین سطح را دارد و ابعاد اجتماعی، کالبدی-زیرساختی و زیست‌محیطی نیز کم‌تر از سطح مطلوبیت قرار گرفته‌اند.

یافته‌های همبستگی و رگرسیون به‌روشنی بر وجود رابطه‌ای مثبت و معنادار بین حکمروایی و زیست‌پذیری روستایی تأکید دارند. ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تعیین نشان داد که بیش از نیمی از تغییرات زیست‌پذیری توسط شاخص‌های حکمروایی قابل تبیین است. در میان شاخص‌های حکمروایی، ابعاد قانون‌محوری، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و کارایی-اثربخشی بیش‌ترین تأثیر را بر ارتقای زیست‌پذیری داشته‌اند، در حالی که توافق جمعی و عدالت و برابری، با وجود اثر مثبت، فاقد معناداری آماری بوده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از کم‌توجهی به سازوکارهای توافق محلی و عدالت اجتماعی یا اولویت‌یافتن شاخص‌های نهادی و اجرایی نسبت به شاخص‌های نرم‌تر اجتماعی باشد. بر اساس این یافته‌ها، بهبود وضعیت زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های روستایی این منطقه مستلزم اصلاح ساختارهای حکمروایی محلی و تقویت شاخص‌های کلیدی آن، به‌ویژه قانون‌محوری و پاسخگویی، است. ارتقای شفافیت نهادی، جلب اعتماد عمومی، افزایش مشارکت واقعی روستاییان در فرآیند تصمیم‌گیری و توجه به عدالت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز پایداری سکونتگاه‌ها و بازگشت سرمایه اجتماعی گردد. همچنین، توجه همزمان به بهبود شاخص‌های اقتصادی و زیربنایی به موازات اصلاح ساختارهای حکمروایی، نقشی تعیین‌کننده در ارتقای کیفیت زندگی و کاهش مهاجرت‌های روستایی خواهد داشت. نتایج این مطالعه با پژوهش‌های میکانیکی (۱۴۰۳)، بازوند و رئیسی (۱۴۰۱)، خداپناه

(۱۴۰۰)، مومنی و همکاران (۱۳۹۹)، باسکورو[1] (۲۰۲۵)، هندایانی[2] و همکاران (۲۰۲۳) و سفیانی[3] و همکاران (۲۰۲۳) همراستا بوده و تأکید می‌کند که بهبود شاخص‌های حکمروایی می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی، پایداری اجتماعی و زیست‌پذیری روستایی منجر شود.

به طور کلی، این پژوهش بر ضرورت هم‌افزایی میان رویکردهای نهادی (حکمروایی) و برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای در حوزه زیست‌پذیری تأکید دارد. نتایج به‌ویژه برای سیاست‌گذاران محلی و مدیران روستایی حائز اهمیت است و می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای طراحی راهبردهای یکپارچه در جهت بهبود کیفیت زندگی، بازسازی سرمایه اجتماعی و دستیابی به توسعه پایدار روستایی در مناطق مشابه مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، نقش عوامل مکمل مانند سرمایه اجتماعی، فرهنگ محلی و سیاست‌های منطقه‌ای در تعامل با حکمروایی و زیست‌پذیری مورد بررسی قرار گیرد تا چارچوبی جامع‌تر برای ارتقای پایداری سکونتگاه‌های روستایی فراهم آید. با توجه به نتایج پژوهش و ضرورت بهبود هم‌زمان شاخص‌های حکمروایی مطلوب و زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های روستایی، راهکارهای زیر به‌عنوان پیشنهادهای کاربردی و اجرایی ارائه می‌شوند:

نهادینه‌سازی سازوکارهای مشارکت روستاییان

ایجاد شوراهای محلی و کمیته‌های مشورتی فعال با حضور نمایندگان گروه‌های مختلف (زنان، جوانان، کشاورزان، معلمان) و استفاده از ابزارهای نوین مشارکتی مانند بودجه‌ریزی مشارکتی برای افزایش اعتماد و دخالت واقعی مردم در تصمیم‌گیری‌های توسعه‌ای.

ارتقای شفافیت و پاسخگویی نهادی در سطح روستا

پیاده‌سازی سامانه‌های دیجیتال محلی برای اطلاع‌رسانی عمومی درباره منابع، اعتبارات و پروژه‌ها، همراه با انتشار گزارش‌های دوره‌ای عملکرد دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستا. این اقدام زمینه کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی را فراهم می‌آورد.

تقویت ظرفیت نهادی و مدیریتی دهیاری‌ها

توانمندسازی مدیران محلی از طریق آموزش‌های تخصصی در حوزه مدیریت منابع، توسعه پایدار و حکمروایی، همچنین ارتقای جایگاه حقوقی و بودجه‌ای دهیاری‌ها به‌عنوان نهادهای محوری در توسعه روستا.

تمرکز بر عدالت اجتماعی و توزیع متوازن منابع

ایجاد نظام‌های محلی نظارت بر توزیع منابع (مانند آب، اعتبارات عمرانی، خدمات عمومی) با مشارکت نهادهای مردمی تا از تمرکز منابع در روستاهای مرکزی یا گروه‌های خاص جلوگیری شود.

توسعه سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی

برگزاری نشست‌های دوره‌ای بین روستاییان و مسئولان محلی، حمایت از نهادهای داوطلبانه و تعاونی‌های محلی و ترویج فرهنگ همیاری و اجماع برای تقویت سرمایه اجتماعی به‌عنوان بستر حکمروایی پایدار.

کاربست روش‌های نوین پژوهشی و تصمیم‌سازی

پیشنهاد استفاده از نقشه‌برداری مشارکتی، مدل‌سازی سناریویی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی در مطالعات آینده برای شناسایی دقیق‌تر روابط میان شاخص‌های حکمروایی و زیست‌پذیری. این روش‌ها می‌توانند تصویر عمیق‌تر و کاربردی‌تری از وضعیت محلی ارائه دهند.

طراحی مدل‌های یکپارچه حکمروایی پایدار روستایی

ایجاد چارچوب‌های سیاستی که حکمروایی محلی را با رویکردهای کلان مانند توسعه پایدار و تاب‌آوری روستایی پیوند دهد. این مدل‌ها باید قابلیت اجرا در سطوح خرد (دهیاری و شوراها) را داشته باشند.

1- Baskoro
2- Handayani
3- Sofyani

اجرای این راهکارها مستلزم هم‌افزایی میان نهادهای محلی، دستگاه‌های دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی است تا با ایجاد مدیریت مشارکتی و شفاف، بستر لازم برای ارتقای کیفیت زندگی و پایداری سکونتگاه‌های روستایی فراهم گردد.

منابع

ایمانی، ب.، یاری، ا.، پاکباز بهبودی، ف. (۱۴۰۱). بررسی و ارزیابی میزان زیست‌پذیری در مناطق روستایی مورد مطالعه: روستاهای بخش مرکزی شهرستان فاریاب. کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۱۰(۲)، ۶۷-۷۹. Doi:10.22034/grd.2022.13069.1342.

بازوند، س.، رئیسی، م. ک. (۱۴۰۱). ارزیابی اثرات حکمروایی خوب روستایی بر زیست‌پذیری روستاهای گردشگرپذیر، مطالعه موردی روستای تمندان. کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۱۰(۱)، ۲۳۹-۲۵۸. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.2345332.1401.10.1.12.1.

پازکی، م.، شیخی، د.، صمدی مقدم، ش. (۱۳۹۹). تحلیل نقش مدیریت مبتنی بر حکمروایی خوب در توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: دهستان فیلستان، شهرستان پاکدشت. جغرافیا و توسعه، ۱۸(۵۸)، ۹۳-۱۱۲. https://doi.org/10.22111/gdij.2020.5178.

جعفری، ن.، برقی، ح.، قنبری، ی. (۱۳۹۶). ارزیابی اثرات سرمایه اجتماعی بر حکمروایی در مناطق روستایی، مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان زنجان. مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۴(۱)، ۷۵-۹۱.

حجاریان، ا. (۱۴۰۲). ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر حکمروایی خوب روستایی از دیدگاه کارشناسان و صاحب‌نظران. راهبردهای توسعه روستایی، ۱۰(۲)، ۲۳۳-۲۵۵. https://doi.org/10.22048/rdsj.2023.328776.2001.

حسنوند، ا.، طولابی‌نژاد، م. (۱۴۰۲). تبیین مدل قانون حکمرانی زیست‌محیطی روستایی در ایران: معضلات، مسیرها و پیامدها. جغرافیا و پایداری محیط، ۱۳(۴)، ۳۵-۵۳. Doi:10.22126/ges.2023.9134.2661 .

حیدری ساربان، و.، مومنی، ا. (۱۳۹۹). اثرات حکمروایی خوب بر بهبود شاخص‌های رفاه اجتماعی مناطق روستایی، مطالعه موردی: شهرستان فریدن. راهبردهای توسعه روستایی، ۷(۴)، ۴۷۱-۴۸۷. https://doi.org/10.22048/rdsj.2021.243593.1866.

خداپناه، ک. (۱۴۰۰). ارزیابی اثرات حکمروایی شایسته بر زیست‌پذیری روستاها، مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان اردبیل. فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۱(۴۱)، ۸۳-۱۰۰. https://doi.org/10.30495/jzpm.2021.3731.

خراسانی، م. ا.، اکبریان رونیزی، س. ر. (۱۳۹۹). ارزیابی زیست‌پذیری در نواحی روستایی پیراشهری، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز. فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۰(۴۰)، ۱۳۳-۱۴۶. Doi:20.1001.1.22516735.1399.10.40.9.3.

خلیلی، ل.، کاظمیه، ف.، یادآور، ح. (۱۴۰۳). ارزیابی اثرات حکمروایی خوب در پایداری روستاها، مورد مطالعه: روستاهای بدوستان غربی شهرستان هریس. جغرافیا و روابط انسانی، ۷(۱)، ۸۹-۱۱۳. https://doi.org/10.22034/gahr.2024.460590.2154.

رضوانی، م. ر.، طهماسبی، ب.، حسین‌پور، ح. (۱۴۰۳). گونه‌شناسی الگوهای ذهنی جامعهٔ محلی نسبت به اثرات و پیامدهای تبدیل روستای بابامنیر به شهر. توسعه محلی، ۱۶(۱)، ۷-۲۶. https://doi.org/10.22059/jrd.2024.378537.668863.

رئیسی، م. ک.، بازوند، س. (۱۴۰۱). ارزیابی اثرات حکمروایی خوب روستایی بر سرزندگی خانوارهای روستایی، مطالعه موردی: روستاهای شهرستان زاهدان. جغرافیا و روابط انسانی، ۵(۳)، ۴۸۸-۵۰۵. https://doi.org/10.22034/gahr.2022.344424.1722.

زیاری، ک.، پوراحمد، ا.، حاتمی‌نژاد، ح.، باستین، ع. (۱۳۹۷). سنجش و ارزیابی اثرات حکمروایی خوب شهری بر زیست‌پذیری شهرها، مطالعه موردی: شهر بوشهر. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹(۳۴)، ۱-۱۸. Doi:20.1001.1.22285229.1397.9.34.1.2 .

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس. (۱۳۹۸). مطالعات توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی مناطق روستایی استان فارس، بخش ماهورمیلاتی شهرستان ممسنی، جلد دوم، ویرایش اول، شناسه سند: ۴۱۴۰۵۰۵۵۳۵۰۸۹۱۵۷۰. مهندسین مشاور برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهرسازی و معماری مآب.

سجاسی، ح.، اسفرم، ی.، و رهبری، م. (۱۳۹۶). تحلیل نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی با رویکرد حکمروایی خوب (مطالعه موردی: دهستان بهمئی سرحدی غربی). راهبردهای توسعه روستایی، ۴(۳)، ۴۰۵-۴۲۶. https://doi.org/10.22048/rdsj.2018.70269.1616

شریف‌زاده، م. ش.، عبداله‌زاده، غ.، صالحی طالشی، ف.، خواجه شاهکوهی، ع. (۱۳۹۶). حکمروایی شایسته مبتنی بر سرمایه اجتماعی در مدیریت روستایی در شهرستان جویبار. آمایش جغرافیایی فضا، ۷(۲۳)، ۱۰۵-۱۲۲.

صفایی، م. ج.، خالدی، م.، خالدی، ج. (۱۴۰۱). بررسی اثرگذاری حکمروایی خوب بر توانمندسازی اجتماعی روستاییان، مطالعه موردی: شهرستان اسفراین. کاوش‌های جغرافیایی مناطق بیابانی، ۱۰(۲)، ۱۴۰-۱۵۱. https://doi.org/10.22034/grd.2022.2599.

علینقی‌پور، م.، پوررمضان، ع.، مولایی هشجین، ن. (۱۴۰۰). تبیین زیست‌پذیری محیطی سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر رشت. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳(۱)، ۱-۲۲. Doi:10.22059/jhgr.2018.255494.1007676.

موسوی، م. ن.، جهانگیرزاده، ج.، بایرام‌زاده، ن.، امیدوارفر، س. (۱۴۰۲). تحلیلی بر وضعیت حکمروایی خوب در روستاهای پیراشهری ارومیه. توسعه فضاهای پیراشهری، ۵(۲)، ۲۲۱-۲۳۶. https://doi.org/10.22034/jpusd.2023.397271.1270.

مومنی، ا.، جهانشیری، م.، عزمی، آ. (۱۳۹۹). اثرات حکمروایی خوب بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های پیراشهری در دهستان آدران. توسعه فضاهای پیراشهری، ۲(۱)، ۱۹۳-۲۰۵. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.26764164.1399.2.1.12.9.

میکانیکی، ج. (۱۴۰۳). تحلیل اثرات حکمروایی خوب بر زیست‌پذیری روستاها، مورد مطالعه: شهرستان درمیان. روستا و توسعه، ۲۷(۲)، ۱۹۳-۲۱۲. https://doi.org/10.30490/rvt.2024.366481.1607.

Aulia, D. N., & Marpaung, B. O. (2025). Assessment of Livability factors as an Adaptation of Settled Behavior to Improve Sustainable Housing. Future Cities and Environment, 11. https://doi.org/10.70917/fce-2025-004

Baskoro, A. (2025). Strengthening Good Village Governance Strategy: Transparency, Accountability, and Inclusive Rural Development. Bestuurskunde: Journal of Governmental Studies, 5(1), 39-50. https://doi.org/10.53013/bestuurskunde.5.1.39-50

Bohorquez, N. G., Stafford, L., McPhail, S. M., Selim, S. M., Kularatna, S., & Malatzky, C. (2024). Disability, equity, and measurements of livability: a scoping review. Disability and Health Journal, 17(1), 101521. https://doi.org/10.1016/j.dhjo.2023.101521

Detotto, C., Giannoni, S. & Goavec, C. (2021). Does good governance attract tourists? Tourism Management, 82, 104155 . https://doi.org/10.1016/j.tourman.2020.104155

Folorunsho, O. P., & Samuel, I. R. (2025). Examining The Relationship Between Poor Governance And Sub-National Conflicts In Africa: Causes, Impacts And Policy Implications. International Journal of Humanities, Literature and Art Research.

126, 102614. https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2022.102614

Ma, L., Zhang, Y., Shi, Z., & Dou, H. (2022). The rural livability evaluation and its governance path based on the left-behind perspective: evidence from the Oasis area of the Hexi Corridor in China. Sustainability, 14(11), 6714. https://doi.org/10.3390/su14116714

Marefatnia, S., Roghangirha, P., & Hosseinpour, H. (2025). Community-Based Tourism: Challenges, Strategies, and a Conceptual Framework for Sustainable Development. Journal of Creative Perspectives, 1(4), 54-64. https://academichub.eu/CreativePerspectives/index.php/journal/article/view/24

Mophethe, K. H. (2023). Developmental governance: accountability and participatory governance at SOEs in South Africa. http://hdl.handle.net/11660/12435

Pang, Y., Zhang, W. & Jiang, H. (2024). A socio-spatial exploration of rural livability satisfaction in megacity Beijing, China. Ecological Indicators, 158, 111368. https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2023.111368.

Pang, Y., Zhang, W. & Jiang, H. (2024). A socio-spatial exploration of rural livability satisfaction in megacity Beijing, China. Ecological Indicators, 158, 111368. https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2023.111368

Pomeranz, E. F., & Stedman, R. C. (2020). Measuring good governance: piloting an instrument for evaluating good governance principles. Journal of Environmental Policy & Planning, 22(3), 428-440. https://doi.org/10.1080/1523908X.2020.1753181

Rezvani, M. R., Tahmasi, B., & Hosseinpour, H. (2024). Typology of Local Community Mental Patterns Regarding the Effects and Consequences of Transforming Babamonir Village into a City. The Journal of Community Development (Rural-Urban), 16(1), 7-26. https://doi.org/10.22059/jrd.2024.378537.668863

Sabet, N. S., & Khaksar, S. (2024). The performance of local government, social capital and participation of villagers in sustainable rural development. The Social Science Journal, 61(1), 1-29. https://doi.org/10.1080/03623319.2020.1782649

Sari, A. R. (2023). The impact of good governance on the quality of public management decision making. https://doi.org/10.70382/mejhlar.v7i6.021

Handayani, E., Garad, A., Suyadi, A., & Tubastuvi, N. (2023). Increasing the performance of village services with good governance and participation. World Development Sustainability, 3, 100089. https://doi.org/10.1016/j.wds.2023.100089

Hosseinpour, H., & Tahmasi, B. (2025). Analysis of Spatial-Temporal Changes in Development Indicators in Iran. *Geography and Human Relationships*, e218218. Doi: 10.22034/gahr.2025.513239.2427.

Khorrami, Z., Ye, T., Sadatmoosavi, A., Mirzaee, M., Fadakar Davarani, M. M., & Khanjani, N. (2021). The indicators and methods used for measuring urban liveability: a scoping review. Reviews on environmental health, 36(3), 397-441. https://doi.org/10.1515/reveh-2020-0097

Klusáčeka, P. Alexandrescu, F. Osmana, R. Malý, J. Kunc, J. Dvořák, P. Frantála, B. Havlíčekb, M. Krejčí, T. Martinát, S. Skokanová, H. and Trojan, J. (2018). Good governance as a strategic choice in brownfield regeneration: Regional dynamics from the Czech Republic, Land Use Policy, Vol.pp. 29–39. https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.01.007

Kulmie, D. A., Mohamud, A. A., & Ibrahim, M. S. (2024). Good governance, public service delivery and public trust: Case of Banadir regional administration of Somalia. International Journal of Religion, 5(9), 60-68. https://doi.org/10.61707/1fzxbj65

Lamichhane, B. P. (2021). Good governance in Nepal: Legal provisions and judicial praxis. Journal of Political Science, 21, 19-30. https://doi.org/10.3126/jps.v21i0.35260

Li, X., Yang, H., Jia, J., Shen, Y., & Liu, J. (2021). Index system of sustainable rural development based on the concept of ecological livability. Environmental Impact Assessment Review, 86, 106478. https://doi.org/10.1016/j.eiar.2020.106478

Liu, H., Yang, Q., Chen, B., Zhou, L., & Wang, W. (2025). Spatial and temporal evolution and influencing factors of human settlement environment quality in Xinjiang, China. Scientific Reports, 15(1), 1-18. https://doi.org/10.1038/s41598-025-93953-y

Ma, L., Liu, S., Tao, T., Gong, M., & Bai, J. (2022). Spatial reconstruction of rural settlements based on livability and population flow. Habitat International,

sustainability for sustainable housing and communities. Sustainable Development, 30(1), 191-202. https://doi.org/10.1002/sd.2238

Zaitul, Z., Ilona, D., & Novianti, N. (2023). Good governance in rural local administration. Administrative Sciences, 13(1), 19. https://doi.org/10.3390/admsci13010019

Zhang, Z., Yu, J., & Tian, J. (2024). Community participation, social capital cultivation and sustainable community renewal: A case study from Xi'an's southern suburbs, China. Journal of the Knowledge Economy, 15(3), 11007-11040. https://doi.org/10.1007/s13132-023-01536-x

Zhao, L., Yue, Q., Liang, J., & Cheng, S. (2025). Evaluation of Rural Livability Considering Social Interactions and Implications for Rural Revitalization: A Case Study of Ezhou City, China. Sustainability, 17(9), 3989. https://doi.org/10.3390/su17093989

Zhu, B., Yang, M. & Chu, X. (2024). Good governance and innovation: Economic freedom matters. Technological Forecasting and Social Change, 205, 123527. https://doi.org/10.1016/j.techfore.2024.123527

Li, Y., Qiao, L., Wang, Q., & Karácsonyi, D. (2020). Towards the evaluation of rural livability in China: Theoretical framework and empirical case study. Habitat International, 105, Article 102241. https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2020.102241

Journal of Contemporary Administration and Management (ADMAN), 1(2), 39-46. https://doi.org/10.61100/adman.v1i2.21

Sarker, M.N.I., Hossin, A., Min, W., Aktaruzzaman, M. (2018). Poverty Alleviation of Rural People through Good Governance in Bangladesh, The Journal of Social Sciences Research, Vol. 4, No. 12, pp. 547-555. https://ideas.repec.org/a/arp/tjssrr/2018p547-555.html

Sofyani, H., Yaya, R., & Saleh, Z. (2023). Transparency and community trust in village government: Does corruption perception matter?. Financial Accountability & Management, 39(2), 355-374. https://doi.org/10.1111/faam.12351

Suhardi, U. U., Pribadi, U., & Losi, Z. (2023). The Effects of Good Governance Principles: Accountability, Transparency, and Participation on Public Trust in Village Funds Management. International Journal of Social Science and Business, 7(4), 1050-1060. https://doi.org/10.23887/ijssb.v7i4.57648

Wang, Y., Zhu, Y., Yu, M. (2019). "Evaluation and Determinants of Satisfaction with Rural Livability in China's Less-Developed Eastern Areas: A Case Study of Xianju County in Zhejiang Province". Ecological Indicators, 104: 711- 722. https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2019.05.054

Winston, N. (2022). Sustainable community development: Integrating social and environmental